فهرست مطالب

[ذکر عام و خاص و مطلق و مقید در کنار هم در اصول 2](#_Toc482005703)

[تعریف مشهور و متقدم از مطلق 2](#_Toc482005704)

[اشکالات تعریف متقدم از مطلق 2](#_Toc482005705)

[ذکر اطلاق در اعلام شخصیه از حیث احوال آن‌ها 2](#_Toc482005706)

[شرط ذکر اطلاق احوالی در اعلام شخصیه 3](#_Toc482005707)

[انواع اطلاق 3](#_Toc482005708)

[جنس به معنای منطقی، نحوی و سنخی 3](#_Toc482005709)

[تعریف عام و مطلق 4](#_Toc482005710)

[وجه افتراق معنای عام و مطلق 4](#_Toc482005711)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول فقه/مطلق و مقید/ تعریفات**

# اشاره

# ذکر عام و خاص و مطلق و مقید در کنار هم در اصول

در یک ادواری در اصول؛ عام و خاص و مطلق و مقید باهم ذکر شده بودند و بعد به‌مرورزمان از هم جدا شدند و برای هر یک بابی اختصاص داده‌شده است، از مرحوم شهید ثانی به بعد باب مطلق و مقید از عام و خاص تفکیک شدند.

# تعریف مشهور و متقدم از مطلق

تعریف مشهور و متقدمی که برای مطلق شده این است که «ما دل علی معنیً شایعٍ فی جنسه»، این تعریف از ادبیات به اصول آمده است.

# اشکالات تعریف متقدم از مطلق

به تعریف مذکور اشکالاتی واردشده:

1- اشکال اول این است که شیوع در وصف لفظ آمده، درصورتی‌که اطلاق و شیوع، وصف معناست.

2- اشکال دوم در مورد کلمه جنس است و آن این است که جنس خواه به اصطلاح منطقی یا به اصطلاح نحوی جامع افراد نیست، برای اینکه اطلاق از نظر منطقی فقط اختصاص به جنس منطقی ندارد، بلکه در نوع و فصل هم هست، اگر جنس به معنای نحوی و اسم جنس گرفته شود، اطلاق باز فقط در اسم جنس نیست، بلکه در غیر اسم جنس هم وجود دارد، پس جامع نیست.

جواب این اشکال این است که جنس چهار اصطلاح دارد، در اینجا جنس به معنای لغوی و سنخ است، مقصود در اینجا جنس به معنای منطقی یا نحوی نیست، بلکه معنای عامی دارد که در همه اسما و مفاهیم جاری است و لذا شمول معنایی‌اش اشکالی ندارد.

# ذکر اطلاق در اعلام شخصیه از حیث احوال آن‌ها

3ـ اشکال دیگر این است که اگر به معنای سنخ هم گرفته شود، درست است که مفاهیم اسم جنس، معرفه و نکره که نوعی شمولیت افرادی در آنها هست را در برمی‌گیرد، اما اطلاق در اعلام شخصیه به چه نحو خواهد بود.

جواب اینکه اطلاق در اعلام شخصیه از حیث احوالی که دارند؛ ذکر می‌شود، به‌طور مثال زمانی که گفته می‌شود «اکرم زیداً»، اکرام زید که عَلَم شخصی است در همه احوالاتش است؛ حتی در جایی که اطلاق، اطلاق افرادی است، مثل «اکرم العالم»، در آنجا هم هر عالمی در ضمن اینکه اطلاق افرادی دارد، اطلاق احوالی نیز دارد و درهرحال که باشند را شامل می‌شود.

# شرط ذکر اطلاق احوالی در اعلام شخصیه

بنابر این اطلاق احوالی هم اعلام شخصی‌هایی را می‌گیرد که موضوع حکم قرار گرفته‌اند و هم مصادیقی که داخل در یک عنوان کلی که تحت مطلق اسم جنس است را در برمی‌گیرد، «العالم» یک اطلاق افرادی دارد که شامل مصادیق خارجیه علما می‌شود و یک اطلاق احوالی هم نسبت به هر یک از افراد عالم دارد.

# انواع اطلاق

بنابراین اطلاق بر دو قسم است:

1- اطلاق افرادی

2- اطلاق احوالی

اطلاق احوالی در اعلام شخصیه و حتی در اطلاق افرادی هم اطلاق احوالی وجود دارد.

مثل خانه کعبه که موضوع حکم وجوب طواف واقع شده که علم شخصیه است و اطلاق از حیث احوالی در آن جاری می‌شود.

# جنس به معنای منطقی، نحوی و سنخی

اگر جنس به معنای منطقی گرفته شود، دامنه تعریف بسیار محدود می‌شود، درحالی‌که اطلاق دامنه بسیار وسیعی دارد.

اگر جنس به معنای نحوی گرفته شود که اسم جنس را در بربگیرد، در این صورت هم تعریف محدود می‌شود.

اگر جنس به معنای سنخ گرفته شود، محدودیت‌ها کنار گذاشته می‌شود، امکان دارد گفته شود که در احوال شخصیه و در اعلام شخصیه که اطلاق احوالی هست، تعریف صادق نیست، برای اینکه عرفاً گفته نمی‌شود؛ شایع فی جنسه، مثلاً گفته شود که زید شایع فی سنخه، اینکه مثلاً زید در شب یک سنخ و در روز یک سنخ دیگر است.

مرحوم آقا ضیا می‌گویند سنخ در اینجا هم صدق می‌کند، به این معنا که حالات زید هم سنخ‌هایی از زید است، حضرت امام راجع به تعریف مشهور می‌فرمایند: لا یخلو من تأسفٍ.

لذا اگر خواسته شود که تأسفی در اینجا نباشد، باید گفته شود؛ ما دل علی معنیً شایع فی افراده أو فی احواله.

گاهی اطلاق در عَلَم است و فقط احوال عَلَم را در برمی‌گیرد، گاهی اطلاق جنس را در برمی‌گیرد، احوال شامل افراد و هم شامل اعلام می‌شود، اسما اجناس همه دامنه را بدون تأسف می‌گیرد، اما احوال علم شخصی خالی از تأسف نیست، لذا بهتر است در تعریف مطلق، شایع فی افراده أو فی احواله بیان شود.

# تعریف عام و مطلق

4ـ اشکال بعدی این است که این تعریف با تعریف عام چه نسبتی برقرار می‌کند؟ عموم این‌طور معنا شده که «لفظی که مستوعب لما یصلح أن ینطبق علیه» است، در عام این بحث وجود دارد که تعریف عام می‌تواند مطلق را هم در بربگیرد، این تعریف مانع اغیار نیست و بعضی تعاریف دیگر را هم در برمی‌گیرد.

جواب: در تعریف عام این‌طور بیان می‌شود که «المستوعب لما یصلح أن ینطبق علیه باللفظ»، شمول و استیعابش با لفظ است، سریان و شیوع در عام با توجه به دال لفظی است، در عموم دو دلالت است، دلالت اول مفهوم عالم و علما که جنس است، دلالت دوم کل و ال است، در مقابل این گفته می‌شود؛ اطلاق؛ استیعاب و شمول با دال لفظی نیست، بلکه با قرائن عقلیه و مقدمات حکمت است.

# وجه افتراق معنای عام و مطلق

در عام گفته می‌شود: «ما یستوعب لما یصلح أن ینطبق علیه بدال لفظی»، مرحوم آقای خویی به لفظ تصریح داشتند، اما در مطلق گفته می‌شود: «ما دل علی معنیً شایع فی جنسه»، خود معنا شیوع در جنسه دارد، شیوع مدلول لفظ نیست، بلکه برای خود مفهوم است و لفظ مضافی ندارد و این‌طور نیست که لفظ شیوع را برساند، لفظ معنا را می‌رساند و این معنا شیوعش برای خودش است، این‌طور نیست که از لفظ فهمیده شود.

شایع فی جنسه یعنی لفظ شیوع را نرسانده است، شیوع درون‌زاست و برای خود معناست، گویا قرینه لفظیه ندارد و برای خود معناست.

بنابراین شیوع اگر مدلول لفظ است؛ عام می‌شود، اما شیوع در خود معناست، در این صورت مطلق است.

«اکرم کل عالم» شیوع است، اما شیوع با کل لحاظ می‌شود.